



The Model Definition of “Educational Interpretation”*

Fatima Azadinezad^۱

Naser Neyestani^۲

Mohammad Saeed Fayyaz^۳



Abstract

Educational interpretation is one of the types of scientific interpretation that researchers and thinkers of Qur'anic sciences and interpretation have paid much attention to in recent decades and have researched, discussed, and commented on its various sections and topics.

One of these sections and topics is the definition of educational interpretation, which some researchers have tried so far in this field, and each of them has given a specific definition for it based on their understanding of the word “تربیت” (education). These definitions can draw different meanings, topics, territories, and tasks for educational interpretation. On the one hand, due to their contradictions and on the other hand, due to the lack of complete compliance with the logical and strategic criteria of the definition, these definitions are open to criticism and contain many. Correcting these flaws requires drawing correct criteria for defining educational interpretation.

Intending to eliminate the flaws of past definitions and achieve a more comprehensive and correct framework for defining educational interpretation, the author provides a model for the definition of educational interpretation which is more efficient than the previous definitions and can be the basis for explaining and drawing the structure, nature, and geometry of educational interpretation.

In this regard, the writer concludes that the correct definition of the term “تفسیر” (educational interpretation) is based on the correct understanding and analysis of the word “تربیت” which can be achieved by removing the general meaning from its scope and defining it as “specialized education knowledge” can correctly clarify the topic, scope, purpose and main tasks of educational interpretation.

Keywords: interpretation, education, educational interpretation, the definition of interpretation, definition model.

*. **Date of receiving:** June ۲۸, ۲۰۲۲, **Date of approval:** December ۴, ۲۰۲۲.

۱. Ph.D. student of the theology department of Payam Noor University, Iran. Email: fazadi۰۲۶۳@student.pnu.ac.ir

۲. Assistant Professor, Department of Theology, Payam Noor University, Iran, email: nsernoor@pnu.ac.ir:

۳. Assistant Professor, Department of Theology, Payam Noor University, Iran, email: mfsby@pnu.ac.ir



الگوی تعریف «تفسیر تربیتی»*

فاطمه آزادی نژاد^۱ ناصر نیستانی^۲ محمد سعید فیاض^۳



چکیده

تفسیر تربیتی یکی از انواع تفسیر علمی است که پژوهشگران و اندیشمندان علوم قرآن و تفسیر، در دهه‌های اخیر بسیار به آن توجه کرده و در بخش‌ها و موضوعات گوناگون آن به تحقیق، بحث و نظر پرداخته‌اند. یکی از این بخش‌ها و موضوعات، تعریف تفسیر تربیتی است که تا کنون برخی محققان به تلاش در این زمینه پرداخته‌اند و هر یک بر اساس برداشت خود از واژه «تربیت»، تعریف خاصی از آن ارائه داده‌اند که این تعاریف می‌توانند معنا، موضوع، قلمرو و وظایف متفاوتی برای تفسیر تربیتی ترسیم نمایند. اما از یک سو به دلیل مغایرت با یکدیگر و از سوی دیگر به دلیل عدم انطباق کامل با ضوابط منطقی و راهبردی تعریف، نقد پذیر بوده و نواقص متعددی در بردارند. اصلاح این نواقص نیازمند ترسیم ضوابط صحیح در جهت تعریف تفسیر تربیتی است.

مقاله حاضر با هدف رفع نواقص تعاریف گذشته و دست یابی به یک چارچوب جامع‌تر و صحیح‌تر برای تعریف تفسیر تربیتی، با بهره‌گیری از ضوابط منطقی تعریف و روش تحلیل مفهومی، الگویی برای تعریف تفسیر تربیتی ارائه می‌دهد که نسبت به تعاریف گذشته کارآمدتر بوده و بتواند پایه‌ای برای تبیین و ترسیم ساختار و ماهیت و هندسه تفسیر تربیتی باشد. در این راستا به این نتیجه دست می‌یابد که تعریف صحیح اصطلاح «تفسیر تربیتی» بر درک و تحلیل صحیح واژه «تربیت» در این اصطلاح استوار است که با حذف معنای عام از دایره‌ی شمول آن و تعریف آن به «دانش تخصصی تربیت» می‌تواند موضوع، قلمرو، هدف و وظایف اصلی تفسیر تربیتی را به درستی روشن نماید.

کلید واژگان: تفسیر، تربیت، تفسیر تربیتی، تعریف تفسیر، الگوی تعریف.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳.

۱. دانشجوی دکتری گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، ایران، (نویسنده مسئول) ایمیل: fazadi۵۲۶۳@student.pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، ایران، ایمیل: nsernoor@pnu.ac.ir

۳. استادیار گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، ایران، ایمیل: mfsby@pnu.ac.ir

مقدمه

تفاسیر علمی یکی از انواع تفاسیر است که هم‌زمان با پیشرفت دانش‌های مختلف و ظهور اندیشه‌ها و نگرش‌های تازه در حوزه تحقیق و پژوهش و در نتیجه نگاه تازه به قرآن پدید آمدند (رک: ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ۱۸۶). این تفاسیر که در شکل صحیحشان، در پی استخدام علوم و دانش‌های روز و بهره‌برداری از آنها برای فهم بهتر و عمیق‌تر کتاب خدا بودند، با گرایش‌های مختلف علمی به ظهور رسیدند که در این میان تفاسیر تربیتی نیز یکی از آن‌ها بودند.

اگرچه منشأ این ظهور و بروز اندیشه‌های نو و تخصصی در حوزه یادشده بود؛ اما به دلیل قرابت بسیار تربیت با تفاسیر گذشته و آیات قرآن، از همان ابتدا با انواع تفاسیر دیگر آمیخت، تا جایی که حتی بسیاری از اندیشمندان معاصر بدون توجه به وجه ظهور و نامگذاری آن، تاریخچه‌اش را به اعصار گذشته و حتی عصر نزول پیوند داده و قلمرواش را بیش از پیش گسترده (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۵: ۳۴۷/۲، مؤدب و ابوخمسین، تمهید لمبانی التفسیر التروی، ۱۳۸۷: ۲۸۲)؛ درحالی‌که در قریب به اکثر آنها موضوعات تربیتی اندک و نوع طرح و بیان آنها فاقد ضوابط بین رشته‌ای قرآن و علوم تربیتی است.

امروزه در تعاریف تفسیر تربیتی نیز مغایرت‌ها و حد و مرزهای مختلفی دیده می‌شود و تفسیر تربیتی به صورت‌های گوناگون تعریف می‌شود. این امر منجر به نابسامانی و عدم انتظام در تفسیر تربیتی گشته و بسیاری را بر آن داشته که به رفع نواقص و تلاش برای شاکله مندی و ترسیم هندسه و قلمرو تفسیر تربیتی بپردازند. و حتی در این زمینه رشته‌های علمی و دانشگاهی نیز پدید آمده است (اعرافی، بناری و رضایی، اقتراح، ۱۳۸۷: ۱۰).

نگارنده نیز در راستای چنین تلاشی، گام نخست در اصلاح ساختار و الگوی تفسیر تربیتی را اصلاح تعریف این تفسیر می‌داند و معتقد است، ریشه نواقص ساختاری تفسیر تربیتی را باید در عدم برخورداری از یک تعریف جامع و صحیح جستجو کرد.

تفسیر تربیتی یک اصطلاح علمی حاصل اندیشه‌های تخصصی معاصر و متولد تفکر تخصص‌گرایی در علوم و دانش‌ها است. با این همه عده‌ای از پژوهشگران (رک: ایزدی و تجری، چپستی تفسیر تربیتی، ۱۳۹۵) حتی با وجود اذعان به این امر، بیان برخی مفسران و اندیشمندان گذشته را در جرگه تعاریف تفسیر تربیتی آورده و آنها را مورد بررسی و در دسته‌ای از تعاریف قرار داده‌اند. مثلاً در پژوهش‌های اخیر مجموعه‌ای از تعاریف را در این حوزه ذکر کرده‌اند و با طبقه‌بندی این تعاریف بر اساس معیارهای مختلف، در واقع تفاسیر تربیتی را به‌گونه‌ای دسته‌بندی و بر اساس آن، دایره شمول تفسیر تربیتی را گسترده‌تر دانسته‌اند.

با عنایت به این امر، ذیلاً ابتدا تعاریف تفسیر تربیتی و دسته‌بندی‌های یادشده را بررسی و نقد کرده و سپس یک الگوی منطقی برای تعریف تفسیر تربیتی ارائه داده و در پایان تحلیل خود را از مفهوم تفسیر تربیتی ارائه می‌دهیم.



الف. نقد و ارزیابی تعاریف تفسیر تربیتی

در نگاشته‌ها و مقالات و کتب پژوهشگران، عنوان هدایتی و ارشادی در زمره تاریخچه تفسیر تربیتی و در نتیجه بیانات مفسران پیرامون این دو عنوان، در جایگاه تعاریف سنتی و متقدم تفسیر تربیتی ذکر و بررسی شده‌اند.

از جمله این موارد، بیانات محمد عبده و رشیدرضا پیرامون این دو عنوان است که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم:

محمد عبده پیرامون تفسیر هدایتی می‌نویسد: «تفسیری که ما به دنبال آن هستیم همان فهم کتاب الهی است از آن جهت که هدایت کننده مردم به سعادت دنیا و آخرت به‌عنوان مقصد والای آن است و هر آنچه غیر آن باشد تابع این هدف و تنها وسیله‌ای برای به‌دست آوردن آن است.» (رشید رضا، المنار، بی تا: ۱۷/۱)

همچنین رشیدرضا می‌گوید: «تفسیر هدایتی همان تفسیر ارشادی است که هدف والای آن بیان آیات الهی از طریق روشن ساختن هدایت‌ها و آموزه‌های قرآن و احکام تشریحی خداوند برای مردم است به‌گونه‌ای که مایه جذب جان‌ها و گشایش قلب‌ها گردد و بدین سان نفوذ و آدمیان را به هدایت الهی رهنمون گردد» (همان).

در نقد کاربرد این دو بیان به‌عنوان تعاریف سنتی تفسیر تربیتی (رک: ایزدی و تجری، چپستی تفسیر تربیتی، ۱۳۹۵) باید گفت که «تعریف» یک بیان منطقی با شرایط خاص و مشخص است، حال آنکه سخن عبده نه تنها از لحاظ منطقی و حتی عرف سخن مورد اطلاق عنوان «تعریف» قرار نمی‌گیرد؛ بلکه خود عبده نیز در مقام و جایگاه تعریف نبوده است.

علی‌ای حال، این دو سخن بسیار به هم نزدیک می‌باشند و اساساً ارتباط اصیلی با تعریف تفسیر تربیتی مصطلح ندارند؛ در واقع تفسیر هدایتی یک تعبیر شخصی از سوی عبده نسبت به نوع تفسیر خود بوده که اولاً از لحاظ دستور زبان، کاربرد غلطی به شمار می‌رود؛ چراکه همه تفاسیر هدایتی هستند و این عنوان بر همه تفاسیر اطلاق می‌شود. ثانیاً به اشتباه و به دلیل عدم دقت نظر از سوی افراد و پژوهشگران دیگر، اتخاذ و در بیانات آنها به کار رفته و هیچ مفهوم مشخصی در بر ندارد. از لحاظ شرایط منطقی تعریف نیز باید گفت که این دو سخن بسیار کلی و فاقد عناصر تعریف هستند (برای اطلاع بیشتر در مورد عناصر تعریف ر.ک: قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۱۵۵ تا ۱۷۸).

به این ترتیب ما از این سخنان عبور کرده و بررسی خود را بر تعاریف و بیاناتی متمرکز می‌کنیم که از عنوان دقیق «تفسیر تربیتی» سخن گفته‌اند.

بررسی تعاریف مختصر تفسیر تربیتی. در ادامه چند مورد را مرور می‌کنیم:

برخی تفسیر تربیتی را نه به‌صورت مستقل، بلکه در خلال دسته خاصی از تفاسیر بررسی و تعریف کرده‌اند. مثلاً در سخن زیر آمده است: «از جمله گرایش‌های تفسیر اجتهادی تفسیر تربیتی است که در آنها مفسران به جنبه‌های اخلاقی و هدایتی قرآن می‌پردازند، از نگاه آنان مهمترین نکته‌های تفسیری مطالب اخلاقی و هدایتی است که در یافتن نکته‌های هدایتی و اخلاقی از روایات و تطبیق آیات استفاده می‌کنند، ولی گرایش غالب آنها

پرداختن به روایات تفسیری نیست. آنها اجتهاد و تدبر خود را نه به یافتن مسائل کلامی و فلسفی، عرفانی، فقهی و بلاغی بلکه به تبیین نکات تربیتی و هدایتی مبذول می‌دارند. آنان اگر به روایت یا مسائل کلامی و اعتقادی تاریخی و شأن نزول می‌پردازند. هدف و انگیزه آنها دریافتن نکات هدایتی است.» (مؤدب و ابوخمسین، تمهید لمبانی التفسیر التربوی، ۱۳۸۷: ۲۷۱).

یکی از خصوصیات اصلی تعریف کارآمد آن است که تعریف، به تحلیل مؤلفه‌های مفهومی معرّف می‌پردازد. قالب منطق دانان و روش شناسان جدید بر این نظرند که توقع ما از تعریف آن است که معرّف به بیان و تحلیل مفاهیم سازنده و مؤلفه‌های مفهومی معرّف بپردازد. در تفسیر تربیتی اصلی‌ترین مؤلفه‌های مفهومی عبارتند از تفسیر، تربیت و ارتباط این دو با هم؛ اما در این تعریف نه تنها این مؤلفه‌ها تشریح و تحلیل نشده‌اند؛ بلکه تربیت با مفاهیمی مثل اخلاق و هدایت خلط شده که به روشنی مشخص است که این دو مفهوم از واژه تربیت متمایز هستند.

در واقع واژه‌های هدایت، جنبه‌های قرآن و نکات تربیتی واژه‌های ابهام آلودی هستند که کاربرد آنها در تعریف جایز نیست و بنابر روش‌شناسی و منطق تعریف، اجتناب از کاربرد مفاهیم مبهم یکی از مهم‌ترین راهبردهای منطقی تعریف به شمار می‌رود؛ چراکه نقش تعریف روشنگری ذهن است و تعاریف مبهم در واقع نقض غرض هستند (قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۱۷۱)

در هر حال عدم تمرکز بر تحلیل مفهوم تفسیر تربیتی و نسبت و جایگاه تربیت در تفسیر و بیان وجه تمایز آن با دیگر تفاسیر از اشکالات اساسی این تعریف است.

البته می‌توان گفت نقایص مزبور، وجه مشترک قریب به اتفاق تعاریف صورت‌گرفته از تفسیر تربیتی هستند، چنان‌که برخی منابع آن را تفسیر قرآن با رویکرد تربیتی (افشاگر، آسیب‌شناسی تفسیر و تفاسیر علمی، ۱۳۸۷: ۵۳) تعریف کرده‌اند. در این تعریف نیز به روشنی نقایص آشکار بسیاری دیده می‌شود در واقع گویا نویسنده به دنبال ذکر هدف تفسیر تربیتی بوده و با کاربرد عبارت مبهم رویکرد تربیتی، تلاش برای تعریف تفسیر تربیتی را وانهاده است.

یکی از اشکالات این تعریف و قالب تعاریف تفسیر تربیتی عدم توجه و دقت در نقش نگاه متخصصانه در تولد و ظهور واژه تفسیر تربیتی است. در کتاب درآمدی بر تفسیر تربیتی آمده است:

«تفسیر تربیتی تفسیر قرآن در قلمرو تعلیم و تربیت و مراجعه به قرآن برای کشف دیدگاه آن در موضوعات مصرح و غیر مصرح تربیتی است» (اعرافی، درآمدی بر تفسیر تربیتی، ۱۳۹۱: ۷۱).

در این کتاب نویسنده اشاره می‌کند که بهتر است تفسیر تربیتی در حیطه عناصر نظام تربیتی باشد (همان). این گفتار اگرچه نگاه علمی و تخصصی را مد نظر قرار داده؛ اما چنان‌که می‌بینید هیچ بیان روشنی پیرامون تحلیل مؤلفه‌های تفسیر تربیتی ارائه نکرده.

قراملکی در کتاب «روش‌شناسی مطالعات دینی» یادآور می‌شود که گاهی اخذ مفهومی مبهم در تعریف موجب ابهام می‌شود و گاهی تعریف به امر مخفی‌تر از معرّف و یا همانند آن در پنهانی ابهام را در پی دارد



(قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۱۷۶)

در این تعریف ابهام از نوع دوم است؛ یعنی عبارت «موضوعات مصرح و غیر مصرح تربیتی» عبارات اخفی از معرّف هستند که سبب ابهام تعریف مورد نظر شده‌اند.

نکته دیگر اینکه در این تعریف ابتدا بیان شده که تفسیر تربیتی تفسیر قرآن در قلمرو تعلیم و تربیت بوده و در ادامه آمده: «بهتر است تفسیر تربیتی در حیطه عناصر نظام تربیتی باشد» (اعرافی، درآمدی بر تفسیر تربیتی، ۱۳۹۱: ۷۱). به این ترتیب قلمرو تفسیر تربیتی به درستی مشخص نشده؛ چراکه عناصر نظام تربیتی تنها بخشی از قلمرو دانش تعلیم و تربیت هستند.

در واقع یکی از مؤلفه‌های مفهوم تفسیر تربیتی تناسب و نحوه ارتباط دانش تربیت با دانش تفسیر است که باید در تعریف به روشنی تحلیل و بیان گردد.

انور الباز نویسنده التفسیر التربوی للقران الکریم، تفسیر تربیتی را چنین تعریف می‌کند:

«همان تفسیری که در آن بر دانش‌ها و اصول تربیتی اعتماد می‌شود و به‌گونه‌ای است که عمده تلاشش بر تبیین بعد تربیتی قرآن اعم از فردی و اجتماعی به منظور برجسته ساختن این بعد از قرآن از طریق به کار گرفتن داده‌های علوم تربیتی برای کشف عناصر و اجزای نظام تربیتی قرآن به منظور برآورده ساختن نیازهای تربیتی انسان معاصر است.» (انور الباز، التفسیر التربوی، ۲۰۰۷: ۴۶).

این تعریف هم با همه تلاشی که در جهت تبیین رویکرد تخصصی تفسیر تربیتی به خرج می‌دهد، باز نمی‌تواند قلمرو و چشم انداز روشنی از تفسیر تربیتی و درک درستی از مؤلفه‌های مفهومی و روش تفسیر در تفسیر تربیتی ارائه دهد.

نکته اینکه در این تعریف هدف تفسیر تربیتی با کارکرد این تفسیر متفاوت بیان شده؛ چراکه برآورده ساختن نیازهای تربیتی انسان معاصر که در این تعریف به‌عنوان هدف ذکر شده ناظر به معنای عام تربیت و جنبه کاربردی آن است؛ نه جنبه دانشی آن؛ اما به کار گرفتن داده‌های علوم تربیتی برای کشف عناصر و اجزای نظام تربیتی قرآن که در تعریف مزبور به‌عنوان وظیفه و شاخصه تفسیر تربیتی یادشده، ناظر به جنبه دانشی و تخصصی تربیت است.

ازلحاظ منطقی، تعریف انور الباز نمونه‌ای از مغالطه «کنه و وجه» است. توضیح آنکه منطق دانان جدید، یکی از آفات مهم «حصرگرایی» را «خطای تحویلی نگری» می‌دانند و از نظر آنان تحویلی نگری ارجاع یک پدیدار به امری فروتر از آن و اخذ وجهی از یک چیز به جای کنه و حقیقت آن است (قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۳۸۴ - ۳۸۳). این خطا در شکل ساده آن به‌عنوان «مغالطه کنه و وجه» شناسایی می‌شود.

اگرچه در علم منطق، این اشکال در تعریف ناشی از حصرگرایی قلمداد شده و در قواعد راهبردی تعریف آمده است که از این گونه «تحویلی نگری و مغالطه کنه و وجه» اجتناب شود (همان: ۱۷۷)؛ اما باید گفت که رخداد چنین نقصی در تعریف، گاهی نه ناشی از حصرگرایی در پژوهش؛ بلکه ناشی از عدم کفایت و دانش

تخصصی پژوهشگر است، چنانکه در تعریف انوارالباز این نکته به خوبی روشن می‌شود. انوارالباز به دلیل اینکه بیشتر یک مفسر است نه دانشمند علوم تربیتی، نمی‌تواند در تعریف خود همه جوانب و اضلاع «تفسیر تربیتی» را روشن کند و در اصطلاح منطقی به تحلیل درستی از مؤلفه‌های مفهومی تفسیر تربیتی بپردازد. البته این اشکال عمده تعاریف تفسیر تربیتی است؛ زیرا غالب مفسران و پژوهشگرانی که در این جهت تلاش کرده‌اند، از لوازم جامع‌الاطراف این‌گونه مطالعات میان‌رشته‌ای به‌طور کامل برخوردار نیستند. نمونه دیگر این‌گونه تعاریف، گفتار زیر است: «تفسیر تربیتی کشف و پرده‌برداری از ابهامات واژه‌ها و جمله‌های قرآن در حوزه تربیت و توضیح و تبیین مقاصد و اهداف آیات قرآن براساس یافته‌های علوم تربیتی است ... مفسران تربیتی شیوه‌ای را در پیش می‌گیرند، اعم از روش تربیتی یا موضوعی یا شاخه‌هایی که دارد و آموزه‌های تربیتی را بر محور آن روش کشف و به‌عنوان پیام‌های تربیتی آیات ارائه می‌دهند. بر این اساس تفسیر تربیتی فعالیت روشمند و هدفداری برای کشف حقایق نهفته قرآن کریم در قلمرو تعلیم و تربیت، مبانی اهداف، اصول، روش‌ها، مراحل، منابع، ابزار، مراتب و ابعاد تربیت است.» (احسانی و بناری، روش‌شناسی تفسیر تربیتی قرآن، ۱۳۸۷: ۳۸). این تعریف نیز با وجود نگرش تخصصی به موضوع «تفسیر تربیتی»، از جامعیت و تحلیل مفهومی لازم برخوردار نیست.

همان‌طور که قبلاً یادآور شدیم، به‌کارگیری مفاهیم مبهم و خطای تحویلی‌نگری و مغالطه‌کنه و وجه از اشکالات منطقی تعریف است که در این تعریف نیز دیده می‌شود. همچنین خاطر نشان کردیم که در مطالعات میان‌رشته‌ای نداشتن دانش کافی از عوامل عدم موفقیت و کفایت تعریف است. با این حال باید این را نیز یادآور شویم که عدم دقت به منطق تعریف و قواعد منطق در این زمینه، از نقایص مهم و علل اصلی نافرجامی در ارائه تعریف صحیح است.

در کتاب «روش‌شناسی مطالعات دینی» آمده است «اطلاعات وسیع از علوم مختلف داشتن، شرط لازم مطالعه میان‌رشته‌ای است؛ اما شرط کافی نیست، شرط کافی، داشتن روش منطقی در بارور ساختن اطلاعات مختلف است.» (قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۳۸۹).

البته نباید فراموش کرد که مقالات و پژوهش‌های صورت‌گرفته، هر یک تلاش‌های ارزنده‌ای هستند که نقش سودمندی در ایصال ما به تعریف صحیح و کشف الگوی تفسیر تربیتی دارند و رفته‌رفته تلاش پژوهشگران در تبیین تخصصی‌تر تفسیر تربیتی و تحلیل آن بیشتر شده است. چنانکه رضایی اصفهانی در معرفی تفسیر تربیتی به عناصر تفسیر تربیتی اشاره می‌کند و نکاتی را در روش‌شناسی آن بر می‌شمارد (رضایی اصفهانی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۸۷: ۷۹)؛ که تا اندازه بسیاری مصداق واقعی تربیت در تفسیر تربیتی را روشن می‌کند؛ اما با این حال نویسنده قدر جامعی از مفهوم تربیت بیان نمی‌کند و تحلیل مفهومی مورد نیاز یک تعریف را ارائه نمی‌دهد.

بررسی پژوهش‌های مرتبط با تعریف تفسیر تربیتی

اخیراً برخی محققان در تعریف تفسیر تربیتی به دسته‌بندی مفهوم تربیت پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه اسعدی



در کتاب «چیستی تفسیر تربیتی» نخست مفهوم تربیت را از دو جنبه خاص و عام بررسی می‌کند. در زمینه مفهوم‌شناسی تفسیر تربیتی بر مبنای معنای خاص تربیت تعریف مختار خود را این‌گونه شرح می‌دهد: «تعریف جامع و مانع تفسیر تربیتی باید به گونه‌ای باشد که اولاً گونه‌های مختلف تفسیری شامل تربیتی و موضوعی را در بر داشته باشد، دوم آنکه معنام و خاص تربیت را موردنظر قرار دهد (اسعدی، چیستی تفسیر تربیتی، ۱۳۹۹: ۶۷) با این توضیح، تفسیر تربیتی در کتاب مزبور این‌گونه تعریف شده است: «فرایند تعریف آیات با رویکرد تربیتی و کشف معارف تربیتی قرآن با تکیه بر دانش‌های مرتبط» (همان).

بنابر توضیح نویسنده: «قید» (فرایند) و تأکید بر «رویکرد تربیتی» گویای آن است که مفسر در جریان تفسیر تربیتی باید علاوه بر فعالیت عمومی مفسران در تبیین متن، رشته اقدامات هدفمند دیگری نیز برای اثرگذاری بیشتر در مخاطب انجام دهد. (همان). به نظر نویسنده مفسر تربیتی علاوه بر نقش تفسیرگری باید یک مربی باشد و در حین تفسیر خود را یک مربی ببیند که مسئولیت پند و اندرز و تربیت مخاطب را برعهده دارد که وجدان مخاطبش را با آیات و روایات و نگاه‌های خود بر می‌انگیزد یا همچون یک مبلغ خوش ذوق و هنرمند، از ابزارهای تربیتی در تفسیر آیات و کشف مفاهیم و انتقال آن‌ها بهره می‌گیرد (همان). «از این رو گاه از شعر زیبایی که تناسبی با این مفهوم دارد، استفاده می‌کند یا داستان کوتاه و آموزنده‌ای می‌گوید یا از تمثیلی که پیام آیه را عمومی‌تر می‌کند بهره می‌جوید یا با تداعی معانی، آیه را با شرایط و نیازهای تربیتی عصر خویش مرتبط می‌کند. بدین‌سان جلوه‌گری تربیتی آیه تقویت می‌شود و با شوق‌آفرینی عاطفی و اقتناع‌بخشی معرفتی، زمینه اصلاح اندیشه و رفتار متریبان فراهم می‌آید» (همان: ۶۸).

به عقیده نویسنده، تربیت در این تعریف هم از نظر قلمرو موضوعات و هم از نظر گستره ساحت‌های وجود انسان، تابع وضع و قرارداد مفسر است. مفسر می‌تواند در نگاهی کاملاً تخصصی، موضوعات مرتبط با دانش تعلیم و تربیت را برجسته سازد یا در نگرشی فراگیر هر آنچه را قرآن برای تغییر و برکت آدمی به‌سوی هدف مطلوب در نظر گرفته است، در برگیرد « (همان: ۶۸ - ۶۹).

بررسی

از لحاظ منطقی کاربرد عباراتی مثل فرایند و رویکرد در متن یک تعریف ناصحیح است؛ چراکه این دو واژه معنای دقیقی ندارند و خود نیاز تعریف هستند به این ترتیب کاربرد آنها نه تنها تعریف را دچار ابهام می‌نماید؛ بلکه تعریف را دچار دور و تسلسل می‌کند؛ زیرا واژه فرایند تبیین آیات، با رویکرد تربیتی، خود برای تبیین به واژه «تفسیر تربیتی» محتاج است. البته اسعدی خود در ادامه تلاش کرده است با توضیحات خود ابهام مذکور را از بین ببرد؛ اما به نظر می‌رسد تلاش نویسنده برای رهایی از تنگنای نارسایی و قصور واژگان، او را در ورطه ذوق و استحسان قرار داده و به‌طور کامل از چهارچوب منطقی و علمی تعریف خارج ساخته است.

آنچه نویسنده درباره فرایند و رویکرد تربیتی می‌گوید و آن را به نقش مربیگری مفسر تربیتی و لزوم کاربرد ابزار و امکانات را در جهت تأثیر تربیتی او بر مخاطب پیوند می‌دهد، از دو جهت مورد نقد قرار می‌گیرد: اول اینکه وظایف و رسالت‌های مفسر ارتباطی با تعریف تفسیر تربیتی ندارد و بیان آن در تحلیل تفسیر

تربیتی، ذکر امر خارج از موضوع محسوب می‌شود، دوم اینکه ذکر چنین تحلیلی پیرامون واژه رویکرد، کاملاً غیرعلمی بوده و نویسنده را از رعایت قواعد منطقی تعریف دور ساخته است.

ازلحاظ منطقی یک تعریف نیازمند تحلیل مؤلفه‌های مفهومی معرّف است و کشف ضرورت، تصور از موضوع، هدف (غایت) نتایج، روش‌ها، تنوع پذیری، ضوابط منطقی، ملاک‌های متمایز و مواضع خطا پذیری تعریف، مواردی است که نویسنده یا پژوهشگر را در نیل به تحلیل یاد شده کمک می‌کند (قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۲۳).

افزون بر کتاب «چیستی تفسیر تربیتی»، مقاله‌ای با عنوان «چیستی تفسیر تربیتی (مبنتی بر روش‌شناسی پژوهش در تفاسیر و علوم تربیتی)»، نوشته بهزاد ایزدی و محمدعلی تجری؛ نقدی بر تعاریف تفسیر تربیتی و تلاشی است برای ارائه یک تعریف صحیح، منطقی، جامع و مطلوب از آن. نویسنده در این مقاله با ابتنا بر قواعد منطقی به ویژه بهره‌گیری از منبع روش‌شناسی مطالعات دینی بیانات خود را بر موضوع چیستی استوار ساخته؛ اما طبق منطق جدید موضوع چیستی از لحاظ اصطلاحی آن چندان در تعاریف کارآمد لحاظ نمی‌شود؛ چرا که الف. این دیدگاه بر نظریه کلی طبیعی مبتنی است (رک: ابن حیان، الحدود، ۱۳۵۴ ق: ۹۷)، و مبانی معرفت‌شناختی نظریه کلی طبیعی مورد اشکال و ایراد فراوان است؛ ب. کسانی که در پی این‌گونه مفهوم‌سازی از امورند، در عمل موفقیت‌چندانی در ارائه تعریف ماهوی مفاهیم بنیادی رایج در علوم خود نداشته‌اند. آثاری که در مقام تعریف حدی امور نوشته‌اند؛ مانند رساله الحدود ابن سینا، کارنامه درخشانی را در به‌کاربردن نظام منطق تعریف مبتنی بر ماهیت نگری نشان نمی‌دهد؛ ج. مفاهیم انتزاعی و اسم‌های غیر محصل نیز در نظام جنسی - فصلی و قواعد تعریف ماهیت نگر، قابل تعریف نیستند، درحالی‌که مفاهیم انتزاعی و غیر ماهوی، حتی بر مبنای قول به کلی طبیعی، بسیار بیشتر از مفاهیم ماهوی است؛ د. پیروان ارسطو روش‌شناسی دستیابی به جنس و فصل را تدوین نکرده‌اند. به عبارت دیگر فرایند عملیات دستیابی به تعریف حدی، به نحو روشن و عاری از دور ترسیم نشده است. چگونه می‌توان از طریق تحلیل ماهوی به تعریف امور دست یافت و ماهیت آن‌ها را شناخت. «(قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

البته نویسنده یادآور می‌شود که در تعریف بر دیدگاه تحلیل مضمون و مفهوم تکیه دارد. با وجود اینکه دیدگاه تحلیل مضمون با دیدگاه ماهیت‌نگر متفاوت است؛ اما اغلب بر موضوع چیستی تکیه می‌کند، حال آنکه در نهایت نیز در تبیین چیستی تفسیر تربیتی، توفیق چندانی نمی‌یابد و این مقاله از حیث بیان و بررسی چیستی تفسیر تربیتی نافرجام است.

نویسنده از سه گروه تفسیر نام می‌برد که طبق تعاریف ارائه‌شده عده‌ای تفسیر تربیتی با رویکرد عام، تعدادی از آنها تفسیر تربیتی با رویکرد عام مشترک و تعدادی نیز تفسیر تربیتی با رویکرد تخصصی به‌شمار می‌آیند و به این ترتیب می‌توان گفت تفسیر تربیتی بر همه آنها اطلاق می‌شود البته در مورد گروه نخست مجازاً و در مورد گروه سوم به نحو حقیقی؛ اما باید گفت تفسیر تربیتی یک تفسیر تخصصی و علمی است و بنابراین اطلاق تفسیر تربیتی بر تفاسیر غیرتخصصی، چه به صورت حقیقی و چه به صورت مجازی صحیح نیست.



در مقاله مزبور نویسنده به تحلیل خود پیرامون «تفسیر تربیتی» می‌پردازد. ابتدا مطلبی کوتاه با عنوان «تحلیل منطقی از چیستی تفسیر تربیتی» می‌آورد؛ اما صرفاً گام‌های منطقی و مباحث تنوریک چیستی‌شناسی این دانش را بیان می‌کند (ایزدی و تجری، چیستی تفسیر تربیتی، ۱۳۹۵: ۴۲). پس از عامل منطقی چیستی، نویسنده تعریف مطلوب خود را در مورد تفسیر تربیتی می‌آورد. در این بخش هم، تلاش می‌کند گام‌ها و مراحل منطقی تعریف را رعایت کند تا به یک تعریف جامع دست یابد (همان: ۴۴). این بخش، پژوهش منحصر به فرد در حوزه تعریف تفسیر تربیتی است که با بهره‌گیری از اصول و قواعد منطقی نسبت به پژوهش‌های پیش از خود موفق‌تر بوده و گام مهم در زمینه اصلاح تعریف «تفسیر تربیتی» به‌شمار می‌رود. در یک گونه دسته‌بندی مفهومی دیگر انواع تفسیر تربیتی در چند طبقه بر اساس معیارهای موجود دسته‌بندی و گونه‌شناسی و در این دسته‌بندی، ویژگی‌های هر دسته بیان شده‌اند. در این تعریف و دسته‌بندی مفهومی، نویسنده معتقد است که تفسیر تربیتی بر اساس معیارهای مختلف دسته‌بندی و به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که مبتنی بر هریک از گونه‌ها، ماهیت متفاوتی برای تفسیر تربیتی متصور است.

به‌عنوان مثال تفسیر تربیتی با هدف نظریه‌پردازی گونه‌ای متفاوت از تفسیر تربیتی با هدف کشف نظام تربیتی قرآن دارد و ماهیت تفسیر تربیتی در هریک از این دو گونه متمایز از دیگری است. اشکال این دیدگاه، آن است که ماهیت را با شکل‌ها و گونه‌های مختلف تربیتی خلط می‌کند، حال آنکه از لحاظ منطقی ماهیت یا چیستی یک حقیقت کلی و واحد است که تجزیه‌پذیر نیست. و در واقع مجموع این گونه‌ها و شکل‌های تفسیر تربیتی، ماهیت واحد تفسیر تربیتی را شکل می‌دهند. بنابراین هریک از انواع و گونه‌های تفسیر تربیتی، در ذیل ماهیت واحد تفسیر تربیتی شناسایی می‌شوند و همگی در کنار هم چیستی واحد آن را تشکیل می‌دهند.

ب. الگوی پیشنهادی برای تعریف تفسیر تربیتی

پس از بررسی نقایص تعاریف ارائه‌شده، تلاش بر آن است که روشی مفید و راهبردی برای اصلاح تعریف تفسیر تربیتی ترسیم شود. این الگو محورها و بخش‌هایی دارد که برخی از آنها، منطبق بر اصول منطقی تعریف بوده و برخی دیگر را می‌توان در شمار قواعد راهبردی تعریف بررسی کرد.

یک. الگوی منطقی تعریف تفسیر تربیتی

تعریف مطلوب شامل حد و رسم حقیقی یا تام است نه شرح اللفظ به رسم اسمی و در پاسخ به چیستی معنای لفظی مفهوم و مصداقی شیء بیان می‌شود که آن برترین مفهوم تعریف است (قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۵۹).

معنای لفظی (meaning): واژه‌شناسی و بیان تصور از لفظ و یا دلالت وضعی و گزارشی مربوط به حوزه زبان و درصدد رفع ابهام از مفاد لفظ است (همان: ۱۵۲). از این جهت تفسیر دچار ابهام در تعریف نیست؛ اما لفظ تربیت دچار پراکندگی و ابهام مفهومی و عدم تعین مصداقی است (ر.ک: طالب‌زاده و دیگران، تأملی بر اندیشه‌های برتراندراسل، ۱۳۹۰: ۶۰؛ هرست، منطق تربیت، ۱۳۸۹: ۲۳ و ۵۰؛ حسنی، تربیت یا

تعلیم و تربیت؟، (۱۳۹۰: ۴۲). البته در اینجا الفاظ تفسیر و تربیت در معنای گزارشی رایج به کار رفته؛ یعنی مراد وضع‌کننده و استعمال‌کننده مدلول یا مدلول‌های رایج و مشهور آنها است (ر.ک: اعرافی، فلسفه تعلیم و تربیت، ۳۳۳؛ وجدانی، جایگاه و حدود تفاسیر تحلیلی و هنجاری، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

شناخت حقیقت و چیستی مفهوم (definition): دومین مرحله، مفهوم‌شناسی یا تحلیل مفهومی است که همان تعریف منطقی به مفهوم خاص است (قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۱۴۶)؛ و مربوط به حوزه ذهن و درصدد ارائه تصویری روشن از مفهوم و رفع ابهام و تردید از ذهن است. استفاده از این رویکرد مهمترین روش در شناخت هر دانش و راهبرد مورد اطمینان برای رسیدن به فهم معتبر، صریح، روشن، کلی و دقیق از معنای یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط است. این روش شامل تحلیل مفهوم در زبان عادی، فنی، تخصصی و علمی و ادبی می‌شود و چگونگی کاربرد آن را در زبان نویسندگان و متخصصان تبیین می‌کند (همان: ۱۴۶؛ حسنی، تربیت یا تعلیم و تربیت؟، ۱۳۹۰: ۴۲). در این مرحله چنانچه از چیستی معنای هرکدام از طرفین عنوان و یا از دامنه، قلمرو، چرایی، امکان و مقام ثبوت آنها سؤال شود، مربوط به مقام تصور می‌شود. ابهام در این‌ها ممکن است با شرح اللفظ و تعریف معجمی برطرف شود؛ اما شناخت نوع دانش، نوع ترکیب در عنوان، هویت و جایگاه آن در بین سایرین و نیز چگونگی روش آن مربوط به مقام تصدیق است (ر.ک: قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

در این مقام برای شناخت نوع اصطلاح یا ترکیب مورد بحث و بررسی رابطه و نسبت به این دو واژه فرایند شکل‌گیری‌شان و کارآمدی تعریف باید عناصر دخیل در تعریف مشخص شود. موضوعی که تاکنون منابع تفسیر پژوهی کمتر به آن پرداخته و در هنگام معرفی این گرایش سخنی از تمایز منطقی بین تربیت و عناصرش یا مثلاً مفاهیم هدایت، موعظه، ارشاد، اخلاق و ... به میان نیاورده‌اند. البته برخی از این‌ها تربیت را توضیح داده‌اند (اعرافی در، فقه التریبه، ۱۳۸۵: ۱/۲۲۳، ۲۳۹، ۲۴۹؛ اسعدی، تفسیر تربیتی، چیستی و مؤلفه‌های آن، ۱۳۹۹: ۲۱).

مهمترین عناصر تعریف عبارتند از: موضوع و محمول، جنس و فصل، لوازم و دلالت‌های التزامی، مطابقی و تضمینی، ویژگی‌های رویکرد و هدف از آن (قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۲۱۶)؛ چنانچه تعریف تنوع‌پذیر و تابع متغیرها باشد، او و عناصرش قلمرو حداکثری و حداقلی و صورت‌های مختلفی خواهند داشت (اعرافی و همکاران، اقتراح، ۱۳۸۷: ۱۴؛ رضایی‌اصفهانی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۸۷: ۷۹؛ هاشمی، روش‌شناسی تفسیر تربیتی، ۱۳۹۲: ۲).

برخی موضوع این گرایش را سخن مفسران در تربیت انسان و رفتارهای تربیتی و محمول آن را آیات قرآن و تفاسیر و تمامی مسائل فلسفه و کلیات تربیت ذکر کرده و نسبت بین این دو راه عموم و خصوص من وجه بیان کرده‌اند (ر.ک: اعرافی، فقه التریبه، ۱۳۸۵: ۱۱؛ اعرافی و همکاران، اقتراح، ۱۳۸۷: ۱۵)، مقصود از آیات قرآن و فهم آن مشخص است و مقصود از تربیت می‌تواند تربیت به مثابه واقعیت (اعرافی، فقه التریبه، ۱۳۸۵: ۱۱)؛ معنای رسمی خاص و عام آن (تعلیم و تربیت) (حسنی، تربیت یا تعلیم و تربیت؟، ۱۳۹۱: ۵۳)؛ و دانش و



علوم تربیتی و فرآیند تربیت (اعرافی و همکاران، اقتراح، ۱۳۸۷: ۱۹)، باشد که شامل بخش‌های رفتارهای اختیاری و بخش‌های نظری یا بنیادی می‌شود.

ج. قواعد راهبردی تعریف تفسیر تربیتی

قواعد راهبردی تعریف قواعدی هستند که هنجارهای منطقی تعریف را سمت‌وسو می‌دهند و اصول کارآمدتری را در بردارند.

نگارنده در مطالعه کتب روش‌شناسی پژوهش و اصول تعریف راهبردهای زیر را استنتاج کرده است:

۱. کشف و تبیین مؤلفه‌های معنایی

چنان‌که پیش‌تر یادآور شدیم، در تحلیل مفهومی باید مؤلفه‌های معنایی مورد حلیل قرار گیرند. منظور از مؤلفه‌های معنایی اجزای معنایی هستند که وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، یک معنای بزرگ‌تر را می‌سازند. بنابراین همواره در تحلیل معنایی یکی از اصلی‌ترین اهداف ما این است که بتوانیم مؤلفه‌های یک معنا را استخراج کنیم (پاکتچی، روش تحقیق، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

بر این اساس در اصطلاح تفسیر تربیتی، تفسیر، تربیت و ترکیب این دو، اجزای معنایی هستند که باید مورد تحلیل قرار گیرند. یکی از نکاتی که در این زمینه موردتذکر واقع شده این است که گاهی می‌تواند برخی از مؤلفه‌ها و اجزای مفهومی در تقدیر باشند و از بافت کلام فهمیده شوند، مثل اینکه در تحلیل واژه «توسل» مؤلفه «درخواست» در تقدیر است (همان: ۱۶۵).

بنابراین در تحلیل اصطلاح تفسیر تربیتی ما باید مفاهیم متناظر و هم معنی را موردبررسی قرار دهیم و نوع و نحوه ارتباط آنها با مؤلفه‌های اصلی تفسیر و تربیت را بررسی کنیم. با توجه به اینکه تفسیر در اینجا یک فرآیند خاص و تخصصی است، در میان انواع مفاهیم هم‌معنا و متناظر با واژه تفسیر، مفاهیم «تأویل»، «تبیین» و «هرمنوتیک» را می‌توان از مؤلفه‌های مقدر در این اصطلاح دانست و جهت تحلیل پیشنهاد داد. در رابطه با واژه «تربیت» نیز مفاهیم مترادف بسیاری وجود دارد، مثل پرورش، هدایت، ارشاد، تعلیم، تزکیه، اخلاق و ... با توجه به اینکه برخی پژوهشگران در این حوزه مفاهیم یادشده را با مفهوم تربیت در تفسیر تربیتی مرتبط دانسته‌اند، باید در تحلیل مفهومی تفسیر تربیتی ارتباط این مفاهیم و تناسب آنها مشخص شود.

۲. کاربردی بودن تعریف

یکی از محورهای الگوی تعریف تفسیر تربیتی، کاربردی بودن آن است. بعضی مباحث منطقی تفسیر تربیتی، به‌ویژه مباحث منطق قدیم، عناصری برای تعریف عنوان می‌کنند که کاربرد مشخصی برای تعریف ترسیم نمی‌کنند و حتی در برخی موارد غیرقابل دستیابی هستند، به‌عنوان مثال مباحث مربوط به ماهیت‌نگری و چیستی‌شناسی در تعریف از این دست به‌شمار می‌روند.

به دلیل همین ناکارآمدی و کاربردی نبودن، برخی پرسش از چیستی را شأن تحقیق علمی ندانسته و درباره آن گفته‌اند: «دادن تعریفی جامع و مانع هیچ‌جا فرمول و روش معینی نداشته و کشف حد تام همه جا محال یا

نزدیک به محال بوده است» (سروش، اخلاق خدایان، ۱۳۸۰: ۱۴).

اگرچه این سخن تا اندازه ای افراط گرایانه و از جهاتی ناصحیح قلمداد می‌شود؛ اما این برداشت صحیح را به دنبال دارد که تعاریفی که با فرمول حد و رسم ارائه می‌شوند، کاربرد و فایده ویژه و مشخصی در بر ندارند. تعبیر عادلانه‌تر سخن بالا آن است که هیچ چیز جدیدی را با این تعاریف نمی‌توان یاد گرفت و این گونه تعاریف صرفاً به جهت نظم بخشی به باورهای موجود ما پیرامون یک پدیده مفید خواهند بود (قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۱۶۶). بنابراین تعریف کاربردی، تعریفی است که علم جدید و دانش مفیدی متناظر به علم واقع به ما ارائه دهد و ما را به تصور روشنی پیرامون معرّف برساند (همان: ۱۶۶).

۳. بیان کارکرد

تحلیل عبارت است از دستیابی به کارکرد واحدهای کوچک‌تر درون واحد بزرگ‌تر (پاکتچی، روش تحقیق، ۱۳۸۹: ۱۴۴)؛ و کارکرد یک چیز عبارت است از محصول، بازده و راندمان آن. بنابراین ما در تحلیل مضمون تفسیر تربیتی موظفیم که بازده و محصول تفسیر و تربیت را در واحد تفسیر تربیتی بیان کنیم. به عبارت دیگر روشن کنیم که تفسیر در این واحد چه محصول و راندمانی دارد و نقش تربیت در مجموع این واحد چیست.

به نظر می‌رسد که تفسیر تربیتی کارکرد و نقشی متفاوت از تفسیر به‌طور مطلق دارد، همان‌گونه که کارکرد تربیت در تفسیر تربیتی با کارکرد آن در دانش تربیت تا اندازه‌ای متفاوت است.

۴. اجتناب از تقلیل‌گرایی

یکی از ویژگی‌های اغلب تحلیل‌های غلط آن است که تقلیل‌گرا هستند؛ یعنی هنگام تحلیل یک کل به نسبت نیاز خود تنها آنچه را که جزء مهمی تلقی می‌کنند، مورد بررسی قرار می‌دهند (پاکتچی، روش تحقیق، ۱۳۸۹: ۱۵۰). در تعاریف تفسیر تربیتی هم بیشتر به واژه تربیت توجه شده و در برخی موارد صرفاً واژه تفسیر تعریف لفظی شده است، حال آنکه ما باید مفهوم هر دو واحد تفسیر و تربیت را در این عبارت بررسی و تحلیل نماییم و نقش و کارکرد هر دو را مشخص کنیم.

باید دانست که بیان مفهوم و کارکرد تفسیر، در تحلیل تفسیر تربیتی بسیار مهم و اثرگذار است و در واقع نقش تعیین‌کننده‌ای در ارائه تصویر روشن از تفسیر تربیتی و بیان تمایز آن با دیگر تفاسیر دارد. در واقع، واژه تفسیر با قرار گرفتن در کنار واژه تربیت مفهوم خاصی یافته که با پرده‌برداری از معنا و کشف مراد آیات به‌طور مطلق متفاوت است و کشف این نکته تصویری از تفسیر تربیتی ارائه می‌دهد که تمایزات آن را با گونه‌های دیگر تفسیر به خوبی نشان می‌دهد.

۵. توجه به روابط هم‌نشینی تفسیر و تربیت

یکی از مواردی که بر مفهوم واژه اثر می‌گذارد روابط هم‌نشینی آن با واژه‌های دیگر است. (رک: شفیع‌زاده و فتاحی‌زاده، معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی، ۱۳۹۳: ۹۹-۱۳۰). در



تفسیر تربیتی نیز ما باید رابطه هم‌نشینی این دو واژه با هم را مورددقت قرار دهیم و اثر معنایی آن دو را بر هم به خوبی تحلیل کنیم.

۶. اجتناب از تعاریف دوری

تعریف دوری در اصل تعریفی است که درک هر سخن را متضمن درک سخن مقابل می‌کند و در واقع تکرار سؤال است، نه پاسخ به آن (رک: قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۵: ۱۷۵)؛ اما در یک نگاه راهبردی شاید بتوان گفت اینکه ما در تحلیل مفهومی تفسیر تربیتی فقط جابه‌جایی لفظی انجام دهیم و معادل لفظی برای آن ارائه دهیم می‌تواند نمونه‌ای از تعریف دوری قلمداد گردد که صرفاً سلسله‌ای از واژگان در معرفی هم به چرخش درآمده‌اند و تحلیل مشخصی ارائه نشده است.

۷. اجتناب از تعریف با مفاهیم مبهم

باید دانست که نقش تعریف روشن‌گری ذهن است و تعاریف مبهم در واقع نقض غرض به شمار می‌روند (همان: ۱۷۶). در تحلیل مفهومی تفسیر تربیتی باید تلاش شود که ابهام مفاهیم کاملاً برطرف گردد و در این مسیر از جملات و عبارات روشن و قابل فهم بهره برده شود، نه الفاظ و مفاهیمی که ابهام ذاتی دارند یا اینکه نسبت به تفسیر تربیتی مبهم‌تر هستند.

۸. اجتناب از خطای تحویلی‌نگری و مغالطه کنه و وجه

بسیاری از مواقع در توصیف یک امر و یا در مقام ارائه تعریف تمایزگر از امور مشتبه صرفاً به بیان بعدی از پدیده بسنده می‌شود در این موارد نباید گمان کرد که شیء هویتاً همان بعد است. مغالطه اخذ وجهی از تفسیر تربیتی به جای کنه آن، خطایی است که در اکثر تعاریف تفسیر تربیتی به گونه‌ای دیده می‌شود و در صفحات گذشته، ضمن بررسی نقایص این تعاریف به آن پرداخته و مثلاً تعریف انور الباز که تفسیر تربیتی را «به کار گرفتن داده‌های علوم تربیتی در جهت کشف عناصر نظام تربیتی قرآن» دانسته بود، نمونه‌ای از این خطا دانسته شد.

تحلیل

پس از بیان قواعد منطقی و راهبردی الگوی منتخب تعریف تفسیر تربیتی در مقاله حاضر، ذیلاً نگارنده تحلیل خود را از مفهوم تفسیر تربیتی ارائه می‌دهد.

الف. تحلیل مفهومی واژه تفسیر در اصلاح تفسیر تربیتی

مراجعه به تعاریف و بیانات مفسران و لغویان مختلف پیرامون واژه تفسیر نشان می‌دهد که شناخت معنا و به دست آوردن مراد خداوند از متن قرآن عنصر مشترک آن تعاریف به شمار می‌رود (رک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۱۱ ق: نوع ۷۷؛ زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱۳؛ ابن‌عاشور، التحریر و التئویر، بی‌تا: ۱۱؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۴/۱).

برآیند تعاریف صورت گرفته را می توان در جمله زیر خلاصه کرد: تفسیر قرآن نوعی تلاش علمی روشمند است که هدف آن شناخت معانی قرآن و به دست آوردن مقصود خداوند است (اسعدی، آسیب شناسی جریان های تفسیری، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۰)؛ اما در اصطلاح تفسیر تربیتی، واژه تفسیر مفهومی متمایز می یابد؛ چراکه در بسیاری از مواقع مفسر تربیتی با مقصود اصلی خداوند و معنای اصلی یک آیه کاری ندارد؛ بلکه در پی آن است که مدلولات پنهان تربیتی یک آیه یا طیفی از آیات را استخراج نماید یا آنکه تلاش می کند صرف نظر از کلام اصلی، روش ها و گام های قرآن را در ارائه، پیاده سازی و درونی کردن یک امر تربیتی و به عبارت دیگر روش ها و سبک های تربیتی قرآن را کشف و شناسایی کند (بهجت پور، مهارت های بیان تفسیر، ۱۳۹۷: ۳۱۰). کشف مهندسی آیات و سور نیز یکی از ملزومات تفسیر تربیتی است که در تفسیر مطلق قرآن ضرورتی ندارد و در تعریف آن هم مدنظر قرار نگرفته است؛ اما مفسر تربیتی باید تلاش کند به مهندسی تربیتی آیات دست یابد تا از این طریق پیوندهای آیات تربیتی و روش های قرآن را در تربیت شناسایی نمایند (همان: ۱۵۲). توجه به ترتیب نزول آیات نیز در تعریف تفسیر لحاظ نشده؛ اما در تفسیر تربیتی ترتیب نزول یکی از عناصر اصلی تعریف است؛ چراکه قرآن مفاهیم، اصول و روش های تربیتی اش را در قالب نزول تدریجی و چینش تربیتی آیات و سوره ها ارائه فرموده و بنابراین در تعریف تفسیر تربیتی باید این نکته در هنگام تحلیل واژه تفسیر مدنظر قرار گرفته شود.

با عنایت به این نکات تحلیل نگارنده از واژه تفسیر در اصطلاح تفسیر تربیتی چنین است: هرگونه کشف (اعم از معنای لفظی، اغراض، مقاصد، تأویل، تبیین، تنزیل، جری و تطبیق، ظاهر، بطن، دلالت، معنانشناسی، سمینتیک، پراگماتیک، هرمنوتیک، نظریه پردازی و ...) نسبت به متن قرآن یا روش ها و سبک ها و مراحل و گام های قرآن.

ب. تحلیل مفهومی تربیت در اصطلاح تفسیر تربیتی

تاکنون برای تربیت معانی و تعاریف متعدد و فراوانی ارائه شده است. از آنجاکه در این مقاله، صرف واژه تربیت مدنظر نبوده و هدف اصلی پرداختن به معنای تربیت در اصطلاح تفسیر تربیتی است، در این بخش تنها به یک نمونه از تعاریف منتخب تربیت اکتفا می شود:

«تربیت عبارت است از فرآیند یاری رسانی به یک انسان (متربی) برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاکردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارش صورت می گیرد (اعرافی، فقه التربیه ۱، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۴۰).

یا به طور خلاصه: «فرآیند ایجاد تغییرات تدریجی در یکی از ساحت های وجودی انسان به واسطه انسانی دیگر به منظور شکوفایی استعدادهای او از طریق اقدامات ایجابی و سلبی» (همان: ۱/ ۱۴۱).

در این میان تحلیل نگارنده پیرامون واژه تربیت در اصطلاح تفسیر تربیتی چنین است: از آنجاکه تفسیر تربیتی یکی از شاخه های تفسیر علمی و محصول گسترش دانش های مختلف و رواج پژوهش های بین رشته ای



در حوزه قرآن و تخصص‌گرایی در مطالعات این حوزه است، بنابراین بدون شک منظور از تربیت در این اصطلاح دانش و علوم تربیتی به صورت مصطلح است و به این ترتیب این واژه در اصطلاح مزبور هیچ نسبتی با الفاظ و مفاهیم هدایت، عرفان، اخلاق، تزکیه و ... ندارد، در مقابل، مباحث تخصصی دانش تعلیم و تربیت و نظریه‌پردازی و کشف نظام تربیتی قرآن در این واژه داخل است.

ج. تحلیل مفهومی اصطلاح تفسیر تربیتی

با توجه به تحلیل‌های نگارنده درباره دو واژه «تفسیر» و «تربیت» می‌توان گفت: اصطلاح تفسیر تربیتی عبارت است از: «هرگونه کشف تربیتی پیرامون آیات قرآن یا دلالت‌ها و اشارات آن‌ها و یا برداشت‌های صحیح علمی و نظریه‌پردازی بر پایه دانش تخصصی مفسر در دو زمینه قرآن و تربیت، با روش‌های بین‌رشته‌ای در تمام ابعاد و موضوعات مرتبط با علم تربیت یا نظام تعلیم و تربیت و یا تولید دانش‌های نوین تربیتی از آیات قرآن.» نکته اصلی این تحلیل آن است که در تفسیر تربیتی هرگونه کشف مفهوم، مراد و دلالت‌های کلمات، عبارات، آیات و سوره قرآن باید متخصصانه و در حوزه دانش تخصصی تعلیم و تربیت صورت گیرد. بنابراین باید مفسر تربیتی در دو زمینه دانش‌های مرتبط با تفسیر و علم تعلیم و تربیت تخصص داشته باشد یا اینکه تفسیر تربیتی نه به صورت فردی، بلکه توسط گروهی از متخصصان تفسیر و تربیت به انجام رسد.

نکته دیگر این که تفسیر تربیتی می‌تواند به صورت‌های مختلف تک‌آیه، موضوعی (در هر یک از محورهای نامبرده) یا به صورت ترتیبی صورت گیرد؛ اما همه این روش‌ها باید با عنایت به دانش تنزیلی (سبک نزول و ترتیب نزول) و مبتنی بر آن باشد. توضیح آنکه لازم نیست تفسیر تربیتی حتماً به ترتیب نزول صورت گیرد؛ اما علم به ترتیب و سبک نزول آیات و عنایت به فرایند نزول هر مفهوم یا آیه و سوره، از شروط لازم مفسر تربیتی است و مفسر باید تفسیر خود را با علم به جوانب نزولی موضوع و مفهوم، یا آیه و سوره مربوط ارائه دهد.

نکته سوم آنکه بی‌شک این کشف‌های دانشی، حوزه‌های رفتاری انسان را هم در بر می‌گیرند؛ اما حتی در حوزه رفتاری نیز باید تفسیر مفسر مبتنی بر دانش و تخصص او در حوزه علوم تربیتی باشد. به عبارت دیگر مفسر باید با نگاه متخصصانه به مفاهیم و آیات بنگرد و با این نگاه تفسیر خود را ارائه دهد.

نکته چهارم اینکه در مقایسه با تعاریف دیگر تعریف موردنظر بر مفهوم صحیح و وضعی «تربیت» در تفسیر تربیتی استوار گشته و با بیان یک تحلیل روشن از مفهوم تفسیر تربیتی، موضوع، قلمرو و حد و مرز تفسیر تربیتی را مشخص می‌کند. به این شرح که با حمل واژه «تربیت» بر دانش تخصصی علوم تربیتی و قراردادن تفسیر تربیتی در زمره تفاسیر علمی موضوع آن را به موضوعات بین‌رشته‌ای قرآن و علوم تربیتی اختصاص می‌دهد و آن را از مفهوم عام تربیت و تفاسیر اخلاقی، عرفانی، هدایتی و ... جدا می‌کند. همچنین قلمرو آن را در تمام آیات قرآن (از یک عبارت تا آیه یا گروهی آیات) به صورت موضوعی یا ترتیبی از سطح تفسیر و مفهوم‌شناسی علمی تا سطح نظریه‌پردازی و فراتفسیر می‌گسترده.

نتیجه

در دهه‌های اخیر تلاش برای انتظام، تدوین عناصر و ترسیم ساختار و ماهیت تفسیر تربیتی، دانشمندان این عرصه را به ارائه تعاریف تازه‌تر و اصلاحی در مورد تفسیر تربیتی برانگیخته است. اشکال عمده تعاریف تفسیر تربیتی این است که مرز مشخص، ماهیت واحد و ساختار دقیقی برای تفسیر تربیتی روشن نمی‌کند. دلیل این امر آن است که تعاریف موجود از ضوابط منطقی به‌درستی پیروی نمی‌کنند. اکثر تعاریف موجود کلی و عام، غیراجرایی، غیرجامع و فرضیه‌ناپذیرند. بهترین روش منطقی در تعریف تفسیر تربیتی روش تحلیل مفهومی است. در ذیل این روش تعریف تفسیر تربیتی باید هم مشتمل بر جنبه علمی و فلسفی آن هم مشتمل بر جنبه عملی و رفتاری متربیان باشد. در تحلیل مفهومی باید مؤلفه‌های معنایی مورد تحلیل قرار گیرند، شناخت نوع یا جنس ترکیب تفسیر تربیتی، و تأثیر معنایی تربیت و تفسیر بر یکدیگر و تبیین دقیق معنای تفسیر و تربیت در این ترکیب، همچنین بیان کارکرد تفسیر تربیتی و کاربردی بودن از مبانی عمده این تحلیل است. با توجه به تحلیل‌های نگارنده درباره دو واژه «تفسیر» و «تربیت» می‌توان گفت: اصطلاح تفسیر تربیتی عبارت است از: «هرگونه کشف تربیتی پیرامون آیات قرآن یا دلالت‌ها و اشارات آن‌ها و یا برداشت‌های صحیح علمی و نظریه‌پردازی بر پایه دانش تخصصی مفسر در دو زمینه قرآن و تربیت، با روش‌های بین‌رشته‌ای در تمام ابعاد و موضوعات مرتبط با علم تربیت یا نظام تعلیم و تربیت و یا تولید دانش‌های نوین تربیتی از آیات قرآن». نکته اصلی این تحلیل آن است که در تفسیر تربیتی هرگونه کشف مفهوم، مراد و دلالت‌های کلمات، عبارات، آیات و سوره قرآن باید متخصصانه و در حوزه دانش تخصصی تعلیم و تربیت صورت گیرد. بنابراین باید مفسر تربیتی در دو زمینه دانش‌های مرتبط با تفسیر و علم تعلیم و تربیت تخصص داشته باشد یا اینکه تفسیر تربیتی نه به‌صورت فردی، بلکه توسط گروهی از متخصصان تفسیر و تربیت به انجام رسد.



منابع

۱. ابن حیان، جابر، الحدود، تصحیح پول کراوس، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۳۵۴ ق.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التئیر، بی جا: بی تا.
۳. ابوخمسن، هاشم، التفسیر التربوی، للقرآن الکریم، المبانی والاتجاهات، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۴۳۲.
۴. احسانی، محمد، بناری، علی همت، اصول و روش های تربیت در اسلام، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷ ش.
۵. اسعدی، علی، تفسیر تربیتی، چیستی و مؤلفه های آن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و معارف قرآن، چاپ اول، ۱۳۹۹ ش.
۶. اسعدی، محمد، آسیب شناسی جریان های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۷. اعرافی، علیرضا؛ بناری، علی همت؛ رضایی اصفهانی، محمدعلی، «اقتراح و مفهوم شناسی و روش ناسی تفسیر تربیتی قرآن»، قرآن و علم، ش ۳، ۱۳۸۷ ش.
۸. اعرافی، علیرضا، درآمدی بر تفسیر تربیتی، قم: موسسه فرهنگی اشراق و عرفان، ۱۳۹۱ ش.
۹. —، فقه التریبه، «نظریه ای نو در علوم اسلامی»، معرفت، شماره ۱۰۴، ۱۳۸۵.
۱۰. — و همکاران، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی: فلسفه تعلیم و تربیت (ج ۱) تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۱۱. افشاگردیبیح، احمد، آسیب شناسی تفسیر و تفاسیر تربیتی قرآن. قرآن و علم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
۱۲. امین خندقی، مقصود، «تفسیر تربیتی به مثابه رشته علمی»، تربیت اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۸.
۱۳. انور الباز، التفسیر التربوی للقرآن الکریم، قاهره: دار نشر للجامعات، ۲۰۰۷ م.
۱۴. ایازی، سید محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۵. ایزدی، بهزاد؛ تجری، محمدعلی، «چیستی تفسیر تربیتی، مبتنی بر روش شناسی در تفاسیر و علوم تربیتی»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۸۰، پاییز ۱۳۹۵.
۱۶. بهجت پور، عبدالکریم، مهارت های بیان تفسیر در سوره های قرآن کریم، قم: موسسه تمهید، ۱۳۹۷.
۱۷. پاکتچی، احمد، روش تحقیق، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
۱۸. حسنی، محمد؛ نویدادهم، مهدی، «تربیت یا تعلیم و تربیت کدا یک؟»، پژوهش نامه تعلیم و تربیت، سال ۲، شماره ۲، ۱۳۹۱.

۱۹. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرف، بی تا.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۵.
۲۱. — تفسیر سوره حمد، مجله قرآن و علم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
۲۲. زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. سروش، عبدالکریم، اخلاق خدایان، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
۲۴. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۲۵. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۲۶. رک: شفیع زاده، مرضیه؛ بهارزاده، پروین؛ فتاحی زاده، فتحیه، معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم نشینی و جانشینی»، پژوهش های قرآن و حدیث، دوره ۴۷، شماره ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۲۷. طالب زاده نوبریان، محسن؛ میرلو، محمد مهدی؛ موسوی، سید حسین، «تأملی بر اندیشه های برتراند راسل»، پژوهش نامه تعلیم و تربیت، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۰.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
۲۹. عبدالسلام، زین العابدین، منهج الامام خمینی فی التفسیر، کتاب قضایا اسلامیه معاصره، الكتاب الثالث، قم: بی نا ۱۴۱۸.
۳۰. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، طبقات مفسران شیعه، قم: نوید اسلام، ۱۳۸۷ ش.
۳۱. فرامرز قراملکی، احد، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی، رضوی، ۱۳۸۵.
۳۲. شفیع زاده، مرضی؛ بهارزاده، پروین، فتاحی زاده، فتحی، «معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم نشینی و جانشینی»، پژوهش های قرآن کریم، سال چهل و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۳۳. لسانی فشارکی، محمد علی، تفسیر روحانی، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶.
۳۴. معموری، علی، تفسیر واعظانه، دایره المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
۳۵. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۳۶. مؤدب، رضا؛ ابوخمسن، هاشم، تمهید لمبانی التفسیر التربوی، قرآن و علم، ش ۳، ص ۱۳۸۷.
۳۷. نجارزادگان، فتح الله، تفسیر تطبیقی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳.
۳۸. وجدانی، فاطمه، «جایگاه و حدود تفاسیر تحلیلی و هنجاری تأملی در برخی از تعاریف موجود»، پژوهشی در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۲، ۱۳۹۳ ش.
۳۹. هاشمی علی آبادی، سید احمد، «روش شناسی تفسیر تربیتی»، معرفت، شماره ۱۰۰، ۱۳۹۲.
۴۰. هرست، بل؛ پیترز، ریچارد، منطق تربیت، ترجمه فرهاد کریمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.



References

۱. A'rafi et al., An Introduction to Islamic Education: Philosophy of Education (Vol. ۱), Tehran, SAMT, ۲۰۱۳.
۲. A'rafi, Ali Reza; Benari, Ali Hemmat; Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, Suggestion and Conceptology and Metaphysics of Educational Interpretation of the Quran, Quran and Science, Vol. ۳, ۲۰۰۸, pp. ۹-۲۲.
۳. A'rafi, Ali Reza; Benari, Ali Hemmat; Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, An Introduction to Educational Interpretation, Qom, Ishraq and Irfan Cultural Institute, ۲۰۱۲.
۴. A'rafi, Alireza, Jurisprudence of al-Turbiyah, a New Theory in Islamic Sciences, Ma'rifat, No. ۱۰۴, ۲۰۰۶, pp. ۱۱-۱۷.
۵. Abdus Salam, Zain al-Abidin, Imam Khomeini's Methodology in Tafsir, Book of Contemporary Islamic Cases, Book III, Qom, ۱۴۱۸.
۶. Abu Khamsin, Hashim, Educational Exegesis; Foundations and Perspectives, Volume ۱, Qom, Al-Mustafa International University, ۱۴۳۲ A.H.
۷. Amin Khandaqi, Maqsood, Education Interpretation as a Scientific Discipline, Islamic Education, ۱۴th Year, Number ۲۸, Summer ۲۰۱۹.
۸. Anwar Al-Baz, Educational Interpretation in the Holy Quran, Cairo, Universities Books Press, ۲۰۰۷.
۹. Aqiqi Bakshaishi, Abdur Rahim, Classes of Shia Commentators, Qom, Navid Islam, ۲۰۰۸.
۱۰. Asa'adi, Ali, Educational Interpretation, Its Nature and Its Components, Qom: Research Institute of Quranic Culture and Education, First Edition, ۲۰۲۰.
۱۱. Asa'sdi, Mohammad, Pathology of Interpretive Currents (Vol. ۱), Qom, Hawzah Research Institute and University, ۱st Edition, ۲۰۱۰.
۱۲. Ayazi, Seyyed Mohammad Ali, The Biographies of Interpreters and Their Methods, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance, ۱۹۹۴.
۱۳. Behjatpour, Abdul Kareem, The Skills of Expressing Interpretation in the Surahs of the Holy Quran, Qom, Tahmid Foundation, ۲۰۱۸.
۱۴. Ehsani, Mohammad, Hemmat Benari, Principles and Methods of Education in Islam, Isfahan, Isfahan University, ۲۰۰۸.

۱۵. Faramorz Qaramaliki, Ahad, Methodology of Religious Studies, Mashhad, University of Islamic Sciences, Razavi, ۲۰۱۶.
۱۶. Hashemi Aliabadi Seyyed Ahmad, Methodology of Educational Interpretation, Ma'rifat, No. ۱۰۰, ۲۰۱۳, pp. ۲-۵.
۱۷. Hassani, Mohammad; Navid Adham, Mehdi, Tarbiat or Education and Tarbiat, which one?, Research Journal of Education and Training, Year ۲, Number ۲, ۲۰۱۲, pp. ۳۹-۵۶
۱۸. Herest, Bell, Peters, Richard; The Logic of Education, Translated by Farhad Karimi, Tehran, Scientific and Cultural Publications, ۲۰۰۹.
۱۹. Ibn Ashur, Mohammad bin Tahir, Al-Tahrir wa al-Tanvir, N.p., n.d.
۲۰. Ibn Hayyan, Jabir, Al-Hudud (The Definitions), Edited by Paul Kraus, Cairo: Al-Khanji School, ۱۳۵۴ A.H.
۲۱. Ifshagar Zabih, Ahmad, Pathology of Quran Interpretation and Educational Interpretations. Quran and Science, Autumn and Winter ۲۰۰۸.
۲۲. Lisani Fisharaki, Mohammad Ali, Tafsir Rouhani, Tehran, Urouj Publishing House, ۲۰۰۷
۲۳. Ma'amouri, Ali, Tafsir wa Adzanuh, Encyclopaedia of the Holy Quran, Qom Bustan Kitab, ۲۰۱۰.
۲۴. Muaddab, Reza, Abu Khamsin, Hashim, A Introduction to Foundations of Educational Interpretation, Quran and Science, Volume ۳, pp. ۲۰۰۸, pp. ۱۰۴-۱۲۲.
۲۵. Mughniyyah, Mohammad Javad, Tafsir al-Kashif, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, First: ۱۴۲۴ A.H.
۲۶. Najjarzadegan, Fathullah, Comparative Interpretation, Qom, World Center for Islamic Sciences, ۲۰۰۴.
۲۷. Paketchi, Ahmad, Research Method, Tehran: Imam Sadiq University, ۲۰۱۰, Second Edition
۲۸. Rashid Reza, Mohammad, Tafsir al-Manar, Beirut, Dar al-Ma'rifah, n.d.
۲۹. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, Logic of Quran Interpretation, Qom, Al-Mustafa International Univeristy, ۲۰۰۶.
۳۰. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, Tafsir of Surah Hamd, Quran and Science, Autumn and Winter ۲۰۰۸-Number ۳.
۳۱. Shafi'zadeh, Marziyyah; Baharzadeh, Parveen; Fattahizadeh, Fathiyyah, Semantics of the Word in the Holy Quran Based on the Relations of Association and Succession, Quran and Hadith Research

Studies, Volume ۴۷, Number ۱ Spring and Summer ۲۰۱۳.

۳۲. Shakir, Mohammad Kazim, Basics and Methods of Interpretation, Qom, World Center for Islamic Sciences, ۲۰۰۳.
۳۳. Soroush, Abdul Karim, Ethic of Gods, Tehran, Tarh Naw, ۲۰۰۱.
۳۴. Suyuti, Jalal al-Din, Al-Itqan fi Ulum al-Quran, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ۱۴۱۱ A.H.
۳۵. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, Al-Mizan fi al-Tafsir al-Quran, Translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamdani, vol. ۵, Qom, Jamia Modarrisin Publishing House, ۱۹۹۵.
۳۶. Talibzadeh Nobarian, Mohsen; Mirlo, Mohammad Mahdi; Mousavi, Seyyed Hossein, A Reflection on Bertrand Russell's Thoughts, Research Journal of Education and Training, Year ۱, Number ۲, ۲۰۱۱, pp. ۵۹-۸۲.
۳۷. Vijdani, Fatimeh, the Position and Limits of Analytical and Normative Interpretations of Reflection in Some Existing Definitions, Research on Islamic Education, Issues, No. ۲۲, ۲۰۱۴, pp. ۱۱۵-۱۴۴.
۳۸. Yazidi, Behzad and Mohammad Ali Tajari, The Definition of Educational Interpretation, Based on Methodology in Interpretations and Educational Sciences, Quranic Research Quarterly, No. ۸۰, Fall ۲۰۱۶.
۳۹. Zarkashi, Mohammad bin Bahadur, Al-Burhan fi Ulum al-Qaruan, Beirut: Dar al-Ma'rifah, ۱۴۱۰ A.H.